

رویکردی تحلیلی بر نقش خودشناسی در خودسازی بر مبنای نهج البلاغه

اصغر طهماسبی بلداجی^۱

چکیده

هدف: یکی از موارد مهمی که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده، خودشناسی است. از نگاه معرفتی، انسان با قابلیت‌های متعددی که خداوند به او عطا کرده، بر بسیاری از موجودات برتری دارد. در آموزه‌های امام علی(ع) به شناخت انسان از ابعاد مختلف هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، عمل‌شناختی و زبان‌شناختی توجه شده است. امام علی(ع) به عنوان عالم ربّانی، آگاه به ابعاد وجودی انسان بوده و درباره این آفرینش الهی، مطالب مهمی را مطرح کرده است که توجه به آنها، به خودشناسی و خودسازی کمک می‌کند. **روش:** پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، رهاوردهای خودشناسی در خودسازی را از منظر امام علی(ع)، تحلیل و بررسی کرده و رویکرد امام علی(ع) به اهمیت خودشناسی در زندگی را تبیین کرده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** از منظر امام علی(ع)، خودشناسی به شکل صحیح، نقش مؤثری در خودسازی و رهنمون‌سازی انسان به سعادت و کمال دارد. افزایش معرفت به خداوند تبارک و تعالی، تحقق بندگی انسان برای خداوند، آخرت‌محوری و رهایی از دنیامحوری، شکوفایی عقل، رشد فضایل اخلاقی و ترک رذایل اخلاقی، از مهم‌ترین نتایج خودشناسی صحیح‌اند.

واژگان کلیدی: امام علی(ع)، خودشناسی، خودسازی، معرفت‌شناسی، نهج البلاغه.

❖ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهرکرد. شهرکرد ایران.

tahmasebiasghar@sku.ac.ir

الف) مقدمه

شناخت انسان یا به تعبیری؛ شناخت خود، یکی از مواردی است که در آموزه‌های امام علی(ع) بر آن تأکید شده است. امام علی(ع) از چند محور به بحث انسان‌شناسی اشاره کرده‌اند. در محور اول، به اهمیت انسان‌شناسی یا همان معرفت نفس، اشاره و معرفت نفس را ارزشمندترین دانش معرفی کرده‌اند که این سخنان و تأکیدات امام، نوعی تشویق انسان بر شناخت خود است. در محور دوم، به معرفتی ابعاد و ساختار وجودی انسان اشاره می‌کنند. در این قسمت، امام(ع) به ساحت‌های وجودی انسان اشاره می‌کنند و از یک سو به قابلیت‌های ساختار جسمی و روحی انسان می‌پردازند و از سوی دیگر، ساحت‌های نفس انسان را در ابعاد معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، عمل‌شناختی و روان‌شناختی تبیین می‌کنند. در محور سوم، امام علی(ع) به نتایج شناخت نفس و معرفت نفس اشاره کرده و غایت خودشناسی در خودسازی را بیان می‌کنند.

سؤال اساسی در این باره این است که معرفه‌النفس که یکی از ارزشمندترین علوم از نظر امام علی(ع) است، چه آثار و نتایجی در زندگی انسان و رهنمون‌سازی وی به سعادت و کمال دارد؟ به عبارتی دیگر؛ خودشناسی چه نقشی در خودسازی دارد؟ این پژوهش با محوریت این سؤال اساسی، به بررسی نتایج خودشناسی در خودسازی می‌پردازد تا اهمیت تأکیدات امام علی(ع) بر شناخت نفس مشخص شود. بنابر این، آنچه این پژوهش درصدد تبیین و بررسی آن است، محور سوم خودشناسی است؛ بر همین اساس، نتایج خودشناسی را که در خودسازی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند در تعالی و سعادت و کمال انسان مؤثر باشد، بررسی می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

درباره انسان‌شناسی و معرفه‌النفس از منظر امام علی(ع)، پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ مشایخی‌پور و همکاران در «بررسی مفهوم خودشناسی در دیدگاه امام علی»، به مفهوم خودشناسی از منظر امام علی(ع) پرداخته و موانع خودشناسی را بیان کرده‌اند(مشایخی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵) که موضوع پژوهش حاضر، متمایز از این پژوهش است.

حسینی در «بررسی ضرورت خودشناسی و خودسازی در نهج‌البلاغه»، به جایگاه خودشناسی و خودسازی در آموزه‌های امام علی می‌پردازد و در این باره به اصول و شاخصه‌های مهم برای رسیدن به خودسازی اشاره می‌کند(حسینی، ۱۳۹۷: ۳۳). وجه تمایز مقاله

رویکردی تحلیلی بر نقش خودشناسی در خودسازی... ♦ ۱۲۱

حاضر با این مقاله این است که در مقاله پیش رو، رهاوردها و نتایج غایی خودشناسی تحلیل شده است، اما در مقاله مذکور این گونه نبوده است.

قنبرپور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم خودسازی از دیدگاه امام علی (ع) و روان‌شناسی»، به بررسی تطبیقی ساحت‌های شناخت انسان از نگاه امام علی و روان‌شناسان می‌پردازد که وجه تمایز آن با مقاله پیش رو، مشخص است.

عباسیان چالستری در مقاله‌ای با عنوان «ساحت‌های نفس و ارتباط انفسی میان خدا و انسان در نهج‌البلاغه»، به ابعاد نفس و ارتباط میان خدا و انسان پرداخته و در این باره، ساحت‌های متعدد نفس انسان را در ابعاد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، عمل‌شناختی و زبان‌شناختی از منظر امام علی (ع) بیان کرده و در نهایت، ارتباط انفسی میان خدا و نفس انسان را بررسی کرده است (عباسیان چالستری، ۱۳۹۸: ۷۰). این پژوهش بیشتر روی خودشناسی تأکید دارد و تمایز پژوهش حاضر با این پژوهش در توجه به رهاوردهای غایی خودشناسی، مشخص است.

دیگر پژوهش‌ها نیز هر کدام از جنبه‌ای به بُعد انسان‌شناسی از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند (غیانی، ۱۳۹۷: ۱؛ علانی رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ بهروز و نصیری، ۱۳۹۴: ۵۱؛ رضایی هفتادر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹). این پژوهش‌ها بیشتر به اهمیت خودشناسی و چیستی آن پرداخته‌اند و درباره نقش، اهمیت و غایت خودشناسی به تفصیل سخن نگفته‌اند. بر همین اساس، این پژوهش ضمن توجه به پژوهش‌های پیشین، تمایز و با نوآوری جدید نگاشته شده است و به غایت و نتایج خودشناسی از منظر امام علی (ع) می‌پردازد که با عنوان و رویکرد این پژوهش، پژوهشی مستقل نگاشته نشده است. بر همین اساس با رویکرد غایت محور، نتایج خودشناسی در خودسازی را در ابعاد متعدد بیان می‌کند.

ب) نقش خودشناسی در خودسازی از منظر امام علی (ع)

خودشناسی با عناوینی از جمله: خودکاوی،^۱ خودبینی^۲ و خودآگاهی،^۳ در مکاتب متعدد بحث شده است. مکاتب فلسفی، وجود انسان و شناخت او را از دو بُعد جسمی و روحی بحث و تحلیل کرده‌اند. برخی قائل به وجود جسمانی انسان بوده و بُعد روحی برای او قائل نیستند؛ اما برخی دیگر از فیلسوفان برای انسان بُعد جسمی و روحی قائل بوده و برای اثبات نظریه خود به ادله‌ای استناد جسته‌اند (افلاطون، ۱۳۶۳؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷). در

1. Self-Analyzing
2. Self-Observation
3. Self-Awareness

آموزه‌های دین اسلام، انسان به عنوان مخلوق ویژه خداوند، از اهمیت والایی برخوردار است و خلقت او نیز حائز اهمیت است؛ قرآن کریم درباره خلقت و ویژه انسان می‌فرماید: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲). در قرآن کریم از بعد جسمانی و روحانی ابعاد وجودی انسان و اهمیت آن بیان شده است؛ چنانکه به مصادیق وجودی انسان اشاره شده است؛ از جمله: عجل بودن انسان: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُون» (انبیاء: ۳۷)؛ ظلم بودن انسان: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲)؛ الهام خوب و بد به نفس انسان: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸-۷)؛ در زیان بودن انسان: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر: ۲)؛ ضعیف بودن انسان: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸)؛ کفور بودن انسان: «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهُهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا» (اسراء: ۶۷)؛ حریص بودن انسان: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (معارج: ۱۹).

امام علی (ع) نیز به عنوان عالم و مفسر حقیقی قرآن و آگاه به ابعاد وجودی انسان، به ابعاد متعدد وجود انسان اشاره فرموده است. آنچه در آموزه‌های امام علی (ع) درباره انسان‌شناسی مطرح می‌شود، بیشتر با عبارت «معرفت النفس» است؛ چنانکه در اهمیت آن می‌فرمایند: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ» (آمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۲) یا: «الْمَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ» (همان)؛ همچنین: «غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ» (همان). این سخنان امام، به صراحت به اهمیت انسان‌شناسی و لزوم توجه به آن اشاره دارد. انسان تا خود را نشناسد، به گوهر وجودی خویش و نیز به هدف خلقت خود جاهل خواهد بود و در نتیجه، خدای خود را نخواهد شناخت و در مسیر بندگی او قدم بر نمی‌دارد و در نتیجه، خسران دنیا و آخرت نصیب او می‌شود. بر همین اساس، توجه به شناخت و ابعاد وجودی خود می‌تواند عاملی مهم در شناخت خدا و رسیدن به بندگی او باشد.

۱. نقش خودشناسی در خودسازی از نظر امام علی (ع)

یکی از مهم‌ترین تأکیدات امام علی (ع) در حیطه انسان‌شناسی، توجه به غایت انسان‌شناسی است. به عبارت دیگر؛ امام علی (ع) تنها به معرفی انسان و تبیین ابعاد وجودی او نپرداخته است؛ بلکه هدف امام از تبیین وجودی انسان، رسیدن انسان به تکامل و سعادت، در پرتو شناخت قابلیت‌ها و ظرفیتهای خود است. انسان اگر به قابلیت‌ها و ابعاد وجودی خویش واقف

شود، می‌تواند از این ابعاد و ظرفیتها در مسیری استفاده کند که خداوند قادر و عالم، وی را برای آن خلق کرده است. زمانی که انسان به معایب وجودی خود از جنبه هوا و هوس و شهوات آگاهی یافت، تلاش می‌کند تا کنترل این قوا را به دست گیرد و از سرکشی آنها جلوگیری کند. در ادامه، مهم‌ترین نتایج خودشناسی در خودسازی از منظر امام علی(ع) تحلیل و بررسی می‌شود.

یک) نقش خودشناسی در خداشناسی و ازدیاد ایمان و معرفت

از مهم‌ترین نتایج انسان‌شناسی از منظر امام علی(ع)، خداشناسی است. انسان با شناخت خود و اسرار وجودی خود، پی به خالق یگانه و قدرتمند می‌برد. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلَّى لِحَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸). این سخنان امام حاکی از این است که نشانه‌های عظمت و بزرگی و علم بی‌انتهای خداوند، در مخلوقات وی متجلی است. مراد از تجلی این است که خداوند، معرفت خود را از طریق توجه به آثار صنع خویش در دل‌های بندگانش قرار داده و خود را از این راه به آنان نشان داده است؛ تا آنجا که هر ذره‌ای از مخلوقات او به آینه‌ای شباهت دارد که خالق متعال، خود را برای بندگانش در آن نمایان ساخته است و آنان به اندازه قابلیت خود، او را می‌بینند و این مشاهده بر حسب معرفت و بصیرت انسانها متفاوت است (بحرانی، بی‌تا، ج ۳: ۳۸). از سوی دیگر، وقتی انسان به قلب و روح خود بازمی‌گردد، بانگ توحید و خداشناسی را از هر گوشه آن می‌شنود و به همین دلیل، هر قدر شیاطین در انکار ذات پاکش بکوشند و برای منحرف ساختن بندگان تلاش کنند، هنگامی که فشارها برچیده شد و ابرهای ظلمانی و ساوس شیطانی کنار رفت، فطرت توحیدی تجلی می‌کند و باز انسان به سوی خدا برمی‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۱۰)

امام علی(ع) وجود انسان را عالم بزرگ معرفی می‌کنند که آینه خداشناسی است. در اشعار منسوب به ایشان آمده است: «و تَحَسَّبُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ - وَ فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ / وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي - بِأَحْرَفِهِ يَظْهَرُ الْمَضْمَرُ» (مبیدی، ۱۴۱۱: ۱۷۵). به همین سبب، تدبیر در وجود خود و پی بردن به اسرار وجود خود، عاملی در برای شناخت خداوند سبحان است. امام علی(ع) نیز بر این مطلب تصریح دارند و می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ» (آمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۲). خودشناسی در این روایت ارزشمند، به معنای درک و معرفت عمیق به قابلیتها و ظرفیتهای وجودی انسان از یک سو و سرشت خداجو و خداطلب انسان از سوی دیگر است؛ زیرا خداوند، سرشت انسان را خداجو و خداطلب قرار داده است. امام علی(ع) در دعای

خود بر اصل خداشناسی فطری تصریح می‌کنند و می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَى إِرَادَتِكَ وَ فَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ فَتَمَلَّمْتَ الْإِفْئِدَةَ مِنْ مَخَافَتِكَ وَ صَرَخَتْ الْقُلُوبُ بِالْوَلَاةِ». (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۱۲۰)

امام علی (ع) اهمیت شناخت انسان را به این صورت بیان می‌کنند که: انسان با شناخت خود به خالق خود پی می‌برد و کسی خالق خود را شناخت، از او پروا می‌کند و تنها در مسیر او می‌ماند. نتیجه این معرفت، این می‌شود که انسان از خالق و صانع خود که همواره ناظر و نظاره‌گر اوست، پروا می‌کند و به سمت گناه نمی‌رود و این یک نتیجه مهم خودشناسی در خداشناسی و خداپرستی است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «أَكْثَرُ النَّاسِ مَعْرِفَةُ لِنَفْسِهِ أَخَوْفُهُمْ لِرَبِّهِ» (آمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۲)؛ یعنی بامعرفت‌ترین مردمان به نفس خود، خدا ترس‌ترین آنهاست. این عبارت این معنا را در بر دارد که: کسی که خود را به درستی بشناسد؛ در پی این شناخت، خالق و پروردگار خود را خواهد شناخت و در نتیجه این شناخت، از خالق خود پروا می‌کند و گناه نمی‌کند.

نکته دیگر در اهمیت خودشناسی و ارتباط آن با خداشناسی در آموزه‌های امام علی (ع)، این است که خودشناسی عاملی برای پیدا کردن هدف خلقت است. اینکه انسان وقتی خود را شناخت، پی به خالق و آفریننده خود می‌برد و از این طریق، به این مطلب معرفت پیدا می‌کند که برای رسیدن به خدا خلق شده است، نه برای لهو و لعب و کار عبث. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «هَلَكَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ» (همان) و در جای دیگری در همین رابطه می‌فرمایند: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النِّجَاةِ وَ خَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ» (همان)؛ یعنی هر که خود را نشناخت، از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی‌ها قدم نهاد. انسان اگر قدر و اندازه خود را بشناسد هلاک نخواهد شد؛ زیرا از این طریق، خدای خود را می‌شناسد و بندگی او را می‌کند و می‌داند برای چه آفریده شده است؛ چنانکه در قرآن کریم بر این هدف خلقت انسان و جن تأکید شده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). در ادعیه اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بر این اصل تأکید شده است؛ حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مناجات خود اینگونه از خدا می‌خواهند: «اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكْفَلْتَنِي لِي بِهِ» (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۱۴۱)؛ یعنی خداوندا مرا برای آن کاری که به خاطر آن آفریده شده‌ام، قرار بده و به آنچه تو خود کفالتش را بر عهده گرفته‌ای، مرا مشغول مدار. بنابر این، خودشناسی عاملی مهم برای

خداشناسی و بندگی خداوند است که از این طریق، انسان پی به وجود خالق می‌برد و با شناخت او، بندگی وی را می‌کند.

دو) نقش خودشناسی در آخرت‌شناسی و رهایی از دنیا

یکی دیگر از آثار خودشناسی، رهایی از قید و بند دنیای فانی و آماده شدن برای جهان جاودان است. در آموزه‌های امام علی (ع)، معرفت نفس از چند جهت باعث رهایی از دنیا محوری و آماده شدن برای آخرت است. اول اینکه، ارزش انسان و قیمت انسان که خداوند او را بر بسیاری از موجودات برتری داده، بالاست. وقتی انسان به این مهم معرفت پیدا کند که ارزش وجودی او بالاست و خدا او را برای امری ارزشمند و بزرگ آفریده است، به این پی می‌برد که این دنیا با محدودیت و نقص خود نمی‌تواند پاسخگوی این ارزش انسان باشد؛ بنابر این، ارزش و قیمت خود را به دنیای فانی نمی‌فروشد. بر همین اساس، امام علی (ع) تأکید می‌کنند که ارزش انسان فقط بهشت است و نباید انسان به کمتر از آن خود را بفروشد: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶)؛ یعنی آیا آزادمردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشید. ابن ابی الحدید در شرح این جمله می‌نویسد: «بعضی از مردم، خود را به بهای چند درهم و دینار می‌فروشند و برخی دیگر، خود را به پست‌ترین و حقیرترین چیزها می‌فروشند و از هوسهای خود پیروی می‌کنند و در نتیجه، هلاک می‌شوند. در حقیقت، این افراد احمق‌ترین مردم‌اند؛ مگر اینکه زنگ بر دل‌هایشان نشسته باشد و گناهان، آن را پوشانده و جهل و عادت بد و گذشت زمان، دل‌هایشان را سخت کرده باشد. اگر انسان اندکی فکر کند، هرگز خود را جز به بهای بهشت نفروشند» (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۲۰: ۱۷۳). امام علی (ع) در تأکید این مطلب می‌فرماید: «وَلَيْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَمَا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوَضًا» (نهج البلاغه، خطبه ۳۲)؛ یعنی چه بد تجارتی، که دنیا را بهای جان خود بدانی و با آنچه در نزد خداست، معاوضه کنی. سرمایه‌های وجودی انسان، آنقدر گرانقدر و گرانبه‌است که اگر به چیزی جز رضای خدا و بهشت جاویدان فروخته شوند، به یقین زیان کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۵۸)

خودفروشی یعنی شکستن و از بین بردن وجدان آگاه، که قطب‌نمای کشتی وجود انسانی است. پس از شکستن این قطب‌نمای الهی، وجود این خودفروخته، کشتی بی‌راهنمایی است که مقصدش اشباع تمایلات اقویا و زورگویان و بدنه آن، مقتضیات جبری محیط است.

خودفروشی یعنی قلب، آن جایگاه تجلی ربّانی را از کار انداختن و به آرزوهای غیر قابل تحقق سرگرم شدن و دل را در گرو بتهای جاندار و بی جان قرار دادن. نتیجه این سوداگری رذل را امیرالمؤمنین(ع) در جمله مورد تفسیر با این عبارت توضیح می دهد که این خودفروشان، عظمتهایی را که خداوند در ابدیت برای آنان آماده کرده است، در برابر شئون پست دنیا از دست می دهند. (جعفری، بی تا، ج ۸: ۲۷۰)

شناخت ارزش هر چیزی، مکان وجودی آن را نیز مشخص می کند. هر چیزی ارزشمندتر باشد، از آن محافظت بیشتری می شود؛ مانند طلا و جواهرات و اشیای قیمتی که با محافظت بیشتر و با قیمت بالا فروخته می شود. انسان وقتی به ارزش خود علم پیدا کرد، می داند که این دنیای فانی نمی تواند به این ارزش خدادادی پاسخ بگوید. بنابر این، بهشت جاودان را انتخاب می کند و در راه رسیدن به آن با بندگی خداوند می کوشد.

محور دوم که امام علی(ع) در انسان شناسی و نقش آن در رهایی از دنیای فانی بر آن تأکید می کنند، فناپذیری انسان در این دنیاست. این معرفت که انسان به نفس خود علم پیدا کند که محدود و فناپذیر است و نمی تواند در این دنیا جاودانه باشد و لاجرم روزی از این دنیا رخت می بندد، او را به دوری از دنیای فناپذیر رهنمون می کند. امام علی(ع) در این باره می فرماید: «رحم الله امرأ أعدت لنفسه، و استعداد لرمسه، و علم من أين و فی أين و إلى أين» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۱: ۱۶۲). عبارت «علم من أين و فی أين و إلى أين» تصریح بر خودشناسی انسان از مبدا و معاد را دارد. این عبارت به خوبی جایگاه انسان شناسی از منظر فناپذیری و جاودانه نبودن در این دنیا را بیان می کند؛ انسان وقتی به این مطلب علم پیدا کرد که از کجا آمده و در کجا قرار دارد و به کجا می رود، می داند دنیایی که در آن قرار دارد، فناپذیر است و جهانی که جاودانگی و حیات ابدی در آن وجود دارد، جهان آخرت است. پس می کوشد خود را از دنیای فانی رها کند و به دست جهان باقی بسپارد.

انسان وقتی به فناپذیری جسم و دنیای خود پی برد، از لذات و خواهشهای نفسانی اجتناب می کند؛ چنانکه امام علی(ع) می فرماید: «أَلَا فَادْكُرُوا هَازِمَ اللَّذَاتِ وَمُنْغَصِ الشَّهَوَاتِ وَقَاطِعِ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ وَاسْتَعِينُوا اللَّهَ عَلَى آدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ وَ مَا لُكَا يُحْصَى مِنْ أَعْدَادٍ نَعْمَةٍ وَ إِحْسَانَةٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۹)؛ یعنی بهوش باشید! مرگ را که نابودکننده لذتها و شکننده شهوتها و قطع کننده آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت به یاد آورید و برای انجام واجبات و شکر در برابر نعمتها و احسان بی شمار الهی، از خدا یاری خواهید.

آروزهای انسان به قدری دامنه‌دار است که هرگز پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه گاه با گذشت عمر- همانند سایه‌هایی که نزدیک غروب آفتاب گسترده‌تر می‌شوند- دامنه‌دارتر می‌شود و تنها چیزی که آروزها را قطع می‌کند، مرگ است. زشتی‌ها آنچنان زرق و برق دارند و هوای نفس آن را تزیین می‌کند که انسان مانند جانور درنده‌ای که به صید خود حمله می‌کند و بر آن می‌پرد، به سراغ آن می‌رود و در این لحظه یاد مرگ می‌تواند عامل بازدارنده‌ای باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۵۱-۳۵۰)

امام در جای دیگر، در اهمیت یاد مرگ و سبقت به سوی خیرات می‌فرماید: «آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوتهایش کاستی گیرد و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد، در نیکی‌ها شتاب می‌کند» (همان، حکمت ۳۱)؛ همچنان که این شناخت نسبت به خود و فناپذیر بودن و مرگ باعث می‌شود که انسان رذایل اخلاقی را کنار بگذارد. امام علی(ع) می‌فرماید: «فخرفروشی را واگذار و از مرکب تکبر فرود آی. به یاد قبر باش که گذرگاه تو به سوی عالم آخرت است. همان‌گونه که به دیگران پاداش دادی، به تو پاداش می‌دهند و آن‌گونه که کاشتی، درو می‌کنی. آنچه امروز پیش می‌فرستی، فردا بر آن وارد می‌شوی. پس برای خود در سرای آخرت جایی آماده کن و چیزی پیش فرست. ای شنونده هشدار! هشدار! ای غفلت‌زده! بکوش؛ بکوش هیچ کس جز خدای آگاه تو را با خبر نمی‌سازد». بنابر این، در این بخش نیز خودشناسی باعث می‌شود که انسان آنچه او را به حیات جاودان می‌رساند، برگزیند و از دنیای فانی و لذات و شهوات آن دوری کند و از دنیا برای رسیدن به آخرت بهره گیرد.

امام علی(ع) یکی از فلسفه‌های شناخت انسان را پی بردن به فناپذیری او و مرگ بیان می‌کنند. این شناخت باعث می‌شود انسان خود را جاودانه نداند و با شناخت فناپذیری جسم خود، در پی جهانی جاودانه باشد؛ امام علی(ع) در توصیف فناپذیری وجود انسان می‌فرماید: «مُسْكِينُ ابْنِ آدَمَ مَكْتُومُ الْأَجَلِ مَكْنُونُ الْعِلَلِ مَحْفُوظُ الْعَمَلِ تَوْلَمَهُ الْبَقَاءُ وَ تَقَتَّلَهُ الشَّرْقَةُ وَ تَنَتَّنَهُ الْعَرَقَةُ» (همان، حکمت ۴۱۹)؛ یعنی بیچاره فرزند آدم! اجلش پنهان، بیماری‌هایش پوشیده، اعمالش همه نوشته شده؛ پشه‌ای او را آزار می‌دهد، جرعه‌ای گلوگیرش شده او را از پای درآورد و عرق کردنی او را بدبو سازد. امام(ع) در این گفتار حکیمانه پرده از روی ضعف انسان برداشته و غرور و غفلت او را درهم می‌شکند و نشان می‌دهد که در برابر تمام نقطه‌های قوت و توانایی‌هایی که انسان دارد، نقاط ضعف عجیبی را نیز داراست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج

۱۵: ۳۸۰. این عبارت، به خوبی این مطلب را بیان می‌دارد که رسیدن به فهم «مَكْتُومُ الْأَجَلِ» بودن انسان، نقش مهمی در تکامل وی و آماده شدن برای آخرت و بندگی خدا دارد. اینکه انسان نمی‌داند چه زمانی از این دنیای فانی می‌رود، بر همین اساس خود را برای حسابرسی آماده می‌کند؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «بندگان خدا، خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند حساب خود را برسید، و پیش از آن که راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید و پیش از آنکه با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمانبردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰). بنابر این، خودشناسی دو نقش مهم در آخرت‌محوری انسان دارد؛ اول اینکه، انسان با شناخت خود و ارزش وجودی خود، دنیای فانی را شایسته این وجود نمی‌داند؛ بنابر این، برای جهان جاودان می‌کوشد. دوم اینکه، با تدبّر در فناپذیری جسم خود و جاودانه نبودن این جسم در دنیا برای مرگ آماده می‌شود و از خواهشهای نفسانی، اجتناب و مسیر سعادت و کمال را انتخاب می‌کند.

سه) رشد عقل و غلبه بر هوای نفس

یکی دیگر از آثار مهم خودشناسی، رشد عقل و غلبه بر هوای نفس است. امام علی (ع) از چند بُعد به اهمیت خودشناسی در غلبه بر هوای نفس و رشد عقل تأکید کرده‌اند. در بُعد اول، امام (ع) به قابلیت وجودی انسان اشاره می‌کنند و به تفاوت او با فرشتگان و حیوانات می‌پردازند؛ اینکه انسان دارای چه قوایی است و در چه صورت به مقام انسان رشد پیدا می‌کند و در چه صورت به اسفل السافلین می‌رسد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بَلَا شَهْوَةَ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةَ بَلَا عَقْلَ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱: ۴)؛ یعنی خداوند عز و جل، در وجود فرشتگان، عقل بدون شهوت و در چارپایان، شهوت بدون عقل و در وجود انسان، عقل و شهوت را با هم قرار داد. پس هر کس که عقلش بر شهوتش پیروز شود، از فرشتگان بهتر است و هر کس شهوتش بر عقلش پیروز شود، از چارپایان بدتر است. این سخن امام از یک سو ساختار وجودی انسان را معرفی می‌کند و از سوی دیگر نقش ابعاد وجودی انسان را در رسیدن به اعلیٰ علیین یا اسفل السافلین بیان می‌کند. بنابر این، اگر انسان خود را به درستی بشناسد، می‌فهمد که در وجود او دو قوه

عقل و شهوت وجود دارد که تبعیت از هر کدام، سرانجام فرجام خود را دارد. بنابر این، عقل را بر شهوت خود مسلط می‌کند و قوای شهوانی را در اختیار می‌گیرد.

دومین بُعدی که امام علی(ع) در خودشناسی و نقش آن در رشد عقل و غلبه بر شهوات به آن اشاره می‌کنند، کرامت نفس است. انسان با شناخت مقام و مرتبه و جایگاه خود در آفرینش، به سوی شهوات نخواهد رفت؛ زیرا شهوات را معارض با کرامت و جودی خود می‌داند. امام در این باره می‌فرماید: «مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ شَهْوَاتُهُ». (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹)

کرامت نفس به معنای شناخت ارزش و جودی انسان و مقام او در آفرینش است؛ که با این شناخت، انسان خود را به شهوات آلوده نمی‌کند. در نتیجه، از ابعاد انسان‌شناسی، سروری عقل و خوار کردن شهوات است؛ انسان با شناخت صحیح از ابعاد و جودی خود و رها کردن نفس اماره، به فضایل الهی دست می‌یابد و به زندگی در راه خدا رهنمون می‌شود. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می‌شمارد و کسب و کار او پاکیزه است و جانش پاک و اخلاقش نیکوست، که ما زاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند و زبان را از زیاده‌گویی باز می‌دارد و آزار او به مردم نمی‌رسد و سنت پیامبر(ص) او را کفایت کرده، بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد» (همان، حکمت ۱۲۲). این کلام حکیمانه خواه دنباله کلام پیشین باشد یا کلامی مستقل، شرح کوتاه و پرمعنایی از صفات سعادت‌مندان خوشبخت است که در ضمن هشت وصف بیان شده است (مکام شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۲۷). این کلام امام، ناظر بر نقش سروری عقل و خارج کردن نفس اماره و رسیدن به نتایج آن در زندگی است. امام علی(ع) در وصف انسانهای مؤمن و متقی و سالک الی‌الله که عقل خود را رشد داده، بر شهوات خود مسلط شده‌اند، می‌فرماید: «عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغر و خشونت اخلاقش به نرمی گرایید؛ برقی پر نور برای او درخشید و راه را برای او روشن کرد و به راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن استوار شد. این پاداش آن بود که دل را درست به کار گرفت و پروردگار خویش را راضی کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰). این سخن امام علی(ع) تماماً ناظر بر نتایج خودشناسی و برتری دادن عقل بر شهوات است و به تعبیر یکی از شارحان نهج البلاغه، صفات عارف کامل در این عبارت بیان شده است (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج ۱۴: ۱۹۲). انسان با شناخت ابعاد و جودی

خود و برتری عقل بر هوای نفس، راه صحیح را انتخاب می‌کند و در نهایت، به رضایت الهی و رضوان او دست می‌یابد.

امام علی(ع) در جای دیگر در وصف انسانهای باتقوا که وجود خود را به درستی شناخته‌اند، می‌فرمایند: «خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آن که هوای نفس را از دل بیرون رانده است، حق را می‌شناساند و به آن عمل می‌کند. کار خیری نیست مگر که به آن قیام می‌کند و در هیچ جا گمان خیری نبرده جز آن که به سوی آن شتافته. اختیار خود را به قرآن سپرده و قرآن را راهبر و پیشوای خود قرار داده است. هر جا که قرآن بار اندازد، فرود آید و هر جا که قرآن جای گیرد، مسکن گزیند» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). در این بخش از خطبه، امام(ع) به سراغ نکته مهمی می‌رود و آن اینکه، بنده مخلص خداوند بعد از آگاهی و خودسازی و تهذیب نفس و رسیدن به مقامات عالیه در علم و عمل و تقوا، کمر همت برای هدایت خلق می‌بندد و همچون چراغ روشنی فرا راه مردم می‌شود و آنان را از ظلمات جهل و وهم و گمراهی‌های می‌بخشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۵۲). از سوی دیگر، شخص عارف با آشنایی به قانون هستی و قانون موجودیت خویشتن است که می‌تواند حق را توصیف کند. این دو آشنایی، قدرت توصیف حق را به وجود می‌آورد و احساسات و تفکرات آدمی را درباره حق به ثمر می‌رساند. انسان عارف فقط با این دو آشنایی است که در توصیف حق، امیال و هواهای خود را دخالت نمی‌دهد و از بازیگری‌های بی‌اساس مغز در امان می‌ماند. (جعفری، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۱۲)

این بیان، حاکی از آن است که شناخت ابعاد وجودی، همچون عقل و شهوات می‌توانند در رساندن انسان به سعادت و شقاوت مؤثر باشند. بنابر این، کسی که خود را به درستی شناخت، با برتری دادن عقل بر شهوات و رام کردن هوای نفس خود، به سعادت رهنمون می‌شود.

چهار) رسیدن به عزت نفس و بندگی خداوند

عزت نفس به معنای بندگی خداوند تبارک و تعالی است. انسان زمانی که به عزت نفس دست یافت، بنده خدا می‌شود و رسیدن به عزت نفس در پرتو شناخت گوهر وجودی خود است. در قرآن کریم، در اهمیت عزت نفس و ارتباط آن با بندگی خداوند می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ» (فاطر: ۱۰). این آیه مبارکه، تنها راه رسیدن به عزت حقیقی را بندگی خداوند بیان می‌کند. امام علی(ع) با علم به گوهر

وجودی انسان، وی را متنبه و متذکر به حقیقت وجودی خود می‌کند که عزت نفس و بندگی خداوند تبارک و تعالی است. به عبارتی؛ امام (ع) هدف شناخت ارزش انسان را رهایی وی از هر آنچه غیر خداست بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرِّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوَضًا وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ یعنی نفس خود را از هر گونه پستی باز دار، هر چند تو را به اهدافت رساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید. بحرانی (از شارحان نهج البلاغه) این عبارت را دال بر آزادگی انسان از غیر خدا و بندگی کردن برای خداوند بیان می‌کند و می‌نویسد: «یعنی برای غیر خدا برتری و فضیلتی قائل نشود تا از او احسان و خوبی بخواهد و در مقابل آن، خودش را بنده او قرار دهد و مشغول شکرگزاری از او به جای خدا شود. و هر کسی که خدا او را آزاد کرده، زشت است که خود را بنده دیگری قرار دهد». (بحرانی، بی‌تا، ج ۵: ۴۶)

امام (ع) در جای دیگر و در اهمیت خودشناسی و غایت آن می‌فرمایند: «إِنَّ مَنْ حَقَّ مِنْ عَظَمَ جَلَالُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي نَفْسِهِ وَ جَلَّ مَوْضِعُهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنْ يَصْغُرَ عِنْدَهُ لِعَظَمِ ذَلِكَ كُلُّ مَا سِوَاهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ یعنی کسی که عظمت خدا در جانش بزرگ و منزلت او در قلبش بالاست، سزاوار است که هر چه جز خدا را کوچک شمارد. این معنا با توجه به اینکه ذات خداوند وجودی بی‌پایان از هر نظر و نامحدود از نظر قوت و قدرت است و ماسوی الله همگی قطره کوچکی در برابر این دریای عظیم بی‌کران‌اند، کاملاً روشن می‌شود. کسی که چشم بر چشمه خورشید دوخته، شمع کم‌نوری در نظر او ناچیز است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۲۶۰).

این کلام امام، نتیجه خودشناسی در خودسازی را بیان می‌کند؛ به این معنا که انسان وقتی ارزش وجودی خود را شناخت، گوهر وجودی خود را تنها لایق خالق و خدای خود می‌داند و ذلیل شدن و بندگی کردن در مقابل غیر او را بر نمی‌تابد؛ زیرا هر چیزی غیر از خدا، مخلوق خداست و کرنش در برابر او، اوج ذلت و حقارت است. بر همین اساس، شناخت نفس باعث می‌شود انسان ارزش وجودی خود را بشناسد و از این طریق، هدف خلقت خود را بشناسد و متمایز از حیوانات و دیگر موجودات زندگی کند و همین امر باعث می‌شود انسان تنها بنده خداوند سبحان باشد؛ که این بندگی، اوج عزت و کرامت است. بنابر این، شناخت ارزش خود، رهایی از هر آن چیزی است که معارض با ارزش انسان است و غایت آن، بندگی خداوند و رهایی از هر چه غیر خداست می‌شود.

امام علی (ع) شناخت کرامت و عزّت نفس را عاملی در ترک شهوات بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ شَهْوَاتُهُ]» (نهج البلاغه: حکمت ۴۴۹)؛ یعنی کسی که خود را گرامی بدارد، هوا و هوس را خوار شمارد. بنابر این، هر کس که در پرتو خداوند عزّت یابد، هیچ ذلت و خواری او را فرا نمی‌گیرد و با عزّت نفسی که پیدا کرده است، شهوات برای او بی ارزش و خوار می‌شوند (رک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ج ۲۱: ۵۲۰). با این بیان، شناخت ارزش حقیقی انسان، این نتیجه مهم را به دنبال دارد که انسان تنها چیزی را که باعث عزّت و سعادت خود می‌داند، خداوند است؛ پس از غیر او روی برمی‌گرداند و بندگی خود را خالصانه برای خداوند بجا می‌آورد.

پنج) شناخت نفس و اجتناب از رذایل اخلاقی

نفس انسان، ابعاد متعدد دارد؛ لذا شناخت آن به او کمک می‌کند تا آسیبهای وجودی خود را بشناسد و از آنها اجتناب کند. در قرآن کریم، نفس اماره این گونه توصیف شده است: «وَمَا أَرْبُئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف: ۵۳). یکی از ساحت‌های وجودی انسان، همین نفس اماره است که به بدی امر می‌کند و رذایل اخلاقی از این بُعد نشأت می‌گیرد. امام علی (ع) به این بُعد وجودی انسان توجه داشته و معایب آن را بیان کرده و او را از توجه به این بُعد و از اطاعت و پیروی آن برحذر داشته است. به عبارتی؛ انسان را به شناخت این بُعد و اجتناب از آن سوق داده است. خواهشهای نفسانی باعث کوری دل انسان می‌شود و او را از حقیقت و رسیدن به آن باز می‌دارد. امام علی (ع) به این حقیقت وجودی انسان این گونه اشاره می‌کنند: «هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوشی بیمار می‌شنود. خواهشهای نفس، پرده عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده است؛ شیفته بی‌اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند. دنیا به هر طرف برگردد، او نیز برمی‌گردد و هر چه هشدارش دهند، از خدا نمی‌ترسد. از هیچ پنددهنده‌ای شنوایی ندارد؛ با اینکه گرفتار آمدگان دنیا را می‌نگرد که راه پس و پیش ندارند و در چنگال مرگ اسیرند. می‌بیند که آنها بلاهایی را که انتظار آن را نداشتند، بر سرشان فرود آمد و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند، از آنها جدا شده و به آنچه در آخرت وعده داده شده بودند؛ خواهند رسید» (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۹).

عاشق دلباخته جیفه دنیا، نمی‌بیند و نمی‌شنود؛ شهوات، عقلش را تباه و دنیا، قلبش را میرانده است. چه رقابتهای کشنده و چه حسادتها که بر سر لاشه دنیا به راه انداختند و با

رویکردی تحلیلی بر نقش خودشناسی در خودسازی... ♦ ۱۳۳

خوردنش رسوا شدند. آری، همین مواد طیب و طاهر دنیا که خدا برای بر خورداری بندگانش آفریده است، همین که هدف نهایی تلقی شود و همه نیروها و فعالیت‌های آدمی را به سوی خود جلب کند، به تدریج حالت معبودی به خود می‌گیرد و با جلب پرستش آدمی به خود، او را رسوا می‌سازد. همانند پول، در عین حال که ضروری‌ترین وسیله ارتباطات اقتصادی مردم با یکدیگر است، هنگامی که حالت پرستش یا سلطه بر همه امور زندگی بشر به خود می‌گیرد، چنان فضیحت و رسوایی به بار می‌آورد که واقعاً نمی‌توان آن را توصیف کرد. (جعفری، بی‌تا: ج ۲۰: ۱۶)

نتیجه برتری هوای نفسانی، غلبه شهوات بر عقل است که انسان راه سعادت را رها می‌کند و به بیراهه‌های کفر و ضلالت کشیده می‌شود و باعث می‌شود از رسیدن به حق و قبول حق اجتناب کند؛ چنانکه امام علی (ع) در کلام دیگری به این مطلب اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «ای مردم! همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم: هواپرستی و آرزوهای طولانی. اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲). هواپرستی و آرزوهای طولانی از شدیدترین هلاک‌کننده‌های انسان‌اند (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج ۴: ۲۰۰) و این دو، زمانی بر انسان سیطره پیدا می‌کنند که خود را نشناخته باشد و حقیقت وجودی خویش را فراموش کند و به اموری بپردازد که متناسب با گوهر وجودی او نیستند. امام علی (ع) به رذایل اخلاقی که در وجود انسان وجود دارد، اشاره می‌کنند که شناخت و کنترل آنها باعث تسلط بر نفس و راهیابی به مسیر سعادت و کمال است. امام علی (ع) در نامه به معاویه، علت گمراهی و شقاوت وی را پیروی از خواسته‌های نفسانی بیان می‌کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۰). بنابر این، اگر انسان نفس سرکش خود را بشناسد و به آسیب‌های آن آگاه شود، از آن آسیب‌ها در امان خواهد بود.

در محور دوم، امام به مصادیق رذایل اخلاقی که نفس انسان، وی را به سمت آنها می‌کشاند، اشاره می‌کنند. در این محور، شناخت نفس اماره از بُعد مصادیق آن است که انسان را وادار به رذایل اخلاقی می‌کند؛ از جمله: کبر، غیبت، دروغ و خودخواهی که در وجود انسان وجود دارد. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «آن که جان را با طمع‌ورزی بپوشاند، خود را پست کرده و آن که راز سختی‌های خود را آشکار سازد، خود را خوار کرده و آن که زبان را بر خود حاکم کند، خود را بی‌ارزش کرده است» (همان، حکمت ۲). در این کلام، به مصادیق متعددی از رذایل اخلاقی اشاره شده است که چنانچه نفس کنترل نشود، انسان را به آنها وادار می‌کند. امام علی (ع) آگاه بودن به نفس را عاملی در اجتناب از

رذایل اخلاقی بیان می‌کنند؛ به این صورت که اگر انسان در خود عیبی داشت، دیگران را به خاطر آن سرزنش نمی‌کند (همان، خطبه ۱۴۰). بنابر این، انسان با شناخت نفس خود، اگر عیبهایی در خود دید، دیگران را به خاطر آن سرزنش نمی‌کند و به دنبال عیبجویی دیگران نمی‌رود؛ زیرا آن را در خود می‌بیند و تلاش می‌کند برطرفش کند و اگر در دیگران عیبی وجود داشت که در او وجود نداشت، به شکرانه نداشتن آنها، از عیبجویی دیگران پرهیز می‌کند. در همین رابطه امام (ع) به یکی دیگر از مصادیق رذایل اخلاقی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «عَجِبُ الْمَرْءُ بِنَفْسِهِ أَحَدٌ حُسَّادُ عَقْلِهِ» (همان، حکمت ۲۱۲)؛ یعنی خودپسندی، یکی از حسودان عقل است. در جای دیگر، درباره تأدیب نفس و ضرورت بازداشتن آن از عاداتی بد یا همان رذایل اخلاقی می‌فرمایند: «ای مردم! کار تربیت خود را خود بر عهده گیرید و نفس را از عاداتی که به آن حرص دارد، بازگردانید» (همان، حکمت ۳۵۹). اشاره به اینکه معلم و مربی انسان، قبل از هر کس باید خود او باشد و تا انسان به تربیت خویش نپردازد، تعلیم و تربیت معلمان و پیشوایان و مربیان در او اثر نخواهد گذاشت. جمله «وَأَعْدِلُوا بَهَا...» در واقع اشاره به یکی از طرق مهم تهذیب نفس است و آن اینکه، بسیار می‌شود انسان عاداتی پیدا می‌کند که برای او کشش و جاذبه زیادی دارند و همین عادات او را دائماً در هواپرستی غرق می‌سازند؛ مانند عادت به شراب یا حتی عادت به مواد مخدر. امام (ع) دستور می‌دهند خود را از جاذبه این عادات سوء، رهایی بخشید تا بتوانید نفس خویش را اصلاح کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۸۵۷). بنابر این، انسان با معرفت نفس خود و شناخت آسیبهای آن، از رذایل اخلاقی اجتناب می‌کند و لگام نفس خویش را در دست می‌گیرد و به راه سعادت رهنمون می‌شود.

شش) معرفت به نفس و رشد فضایل اخلاقی

شناخت صحیح نفس، علاوه بر تخلیه انسان از رذایل اخلاقی، باعث می‌شود که انسان، فضایل اخلاقی وجودی خود را که خدا در وی قرار داده است، بشناسد و آنها را از حالت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل کند. امام علی (ع) برای تحقق این مطلب، راهکار مهمی ارائه می‌کند و با استناد به سیره افراد مؤمن، راه رسیدن به فضایل اخلاقی و ترک رذایل اخلاقی را اینگونه بیان می‌فرماید: «اگر بر سر دو راهی دو کار قرار می‌گرفت، می‌اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک‌تر است و با آن مخالفت می‌کرد. پس بر شما باد روی آوردن به اینگونه از ارزشهای اخلاقی و با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید و اگر نتوانستید، بدانید که به دست آوردن برخی از آن ارزشهای اخلاقی، بهتر از رها کردن همه است» (نهج البلاغه، حکمت

رویکردی تحلیلی بر نقش خودشناسی در خودسازی ... ♦ ۱۳۵

۲۸۹). طبق این روایت، زمانی که فردی صالح و پرهیزکار بین دو کار قرار گیرد، ابتدا بررسی می‌کند که کدام یک از این دو کار بیشتر به دلخواه و هوس او نزدیک‌تر است؛ سپس عمداً آن کار را کنار می‌نهد و راه دیگری را برمی‌گزیند. بنابر این، آنچه مخالف با هوای نفس است، از فضایل اخلاقی محسوب می‌شود.

امام علی (ع) در نامه به فرزند خود، معیار اهتمام به فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی را اینگونه بیان می‌فرماید: «ای پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند. ستم روا مدار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود؛ نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی» (همان، نامه ۳۱). در این عبارت، معرفت به نفس خویش، عامل کسب فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی است؛ زیرا انسان با مراجعه به نفس خود، هر آنچه برای خود می‌پسندد، برای دیگران نیز خواهد پسندید و آنچه برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران نیز نخواهد پسندید.

در محور دوم، امام (ع) به برخی از قابلیت‌ها و فضایل نفس اشاره می‌کنند که شناخت آنها باعث می‌شود انسان به سمت آنها برود و می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعْظُ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ» (همان، حکمت ۸۹). امام در این کلام، بیان می‌کنند که در وجود انسان، نفس لوّامه وجود دارد که اگر به آن توجه کند و به آن گوش جان فرا دهد، او را از گناهان حفظ می‌کند. کسی که واعظ نفسانی؛ یعنی وجدان بیدار و تقوای درونی داشته باشد که در برابر گناهان به او هشدار دهد، لطف پروردگار بر او سایه خواهد افکند و او را از گزند حوادث محفوظ می‌دارد. اضافه بر این، شخصی که چنین واعظ درونی‌ای دارد، از امور خطرناک پرهیز می‌کند و از گزند حوادث محفوظ خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۵۲۶)

امام علی (ع) در مواضع گوناگون به اهمیت قناعت در زندگی، به عنوان یکی از فضایل اخلاقی نفس انسان اشاره فرموده‌اند؛ از جمله: «وَلَا كُنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱). نفس انسان دارای طمع‌ورزی زیادی است که اگر جلوی آن گرفته نشود، او را به هلاکت می‌رساند و بر همین اساس، امام در عبارت دیگری، درمان طمع نفس را قناعت بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنَعَ الْحُرُّ عَبْدٌ مَا طَمِعَ» (آمدی، ۱۳۷۹: ۳۹۱). این کلام به این حقیقت نفس اشاره می‌کند که اگر انسان ثروت فراوان داشته باشد ولی طمع نفسانی او خاموش نشده باشد، برده و بنده دنیاست؛ اما اگر به این صفت رذیله نفسانی علم پیدا کند و

به معایب آن آگاه شود و خویشتن را مزین به عفاف و قناعت کند، قناعت باعث سعادت و عزت نفس وی می‌شود. بنابر این، شناخت نفس و قابلیت‌های آن باعث می‌شود تا انسان از ظرفیتها و استعدادهای درونی خود استفاده کند و آنها را شکوفا سازد و مزین به این فضایل اخلاقی شود.

د) نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب پیش گفته، معرفت نفس یا همان شناخت خود، یکی از مهم‌ترین تأکیدات در آموزه‌های امام علی(ع) است؛ به گونه‌ای که به عنوان برترین و سودمندترین معارف معرفی شده است. علت تأکید امام(ع) بر خودشناسی، به سبب آثار و نتایج متعددی است که خودشناسی در خودسازی دارد و بر همین مبناست که در کلام امام(ع)، خودشناسی باعث خداشناسی می‌شود. نیک پیداست که منظور و مراد امام(ع)، رسیدن به کنه و حقیقت خودشناسی است که با این معرفت، انسان به مسیر سعادت و کمال رهنمون می‌شود که بالاترین درجه آن، خداشناسی خواهد بود. امام علی(ع) در تبیین جایگاه و اهمیت خودشناسی در خودسازی، نتایج و غایات مهمی را برای خودشناسی صحیح بیان می‌دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: توجه به هدفمندی و معناداری زندگی و افزایش معرفت نسبت به خداوند و صفات او، توجه به فناپذیری دنیا و گرایش به آخرت‌مداری و تلاش برای رسیدن به جایگاه متعالی در عالم آخرت، عقل‌افزایی از طریق غلبه بر هوای نفس و شهوات، رسیدن به عزت نفس و توجه تام به عبودیت پروردگار و گریز از مخلوق در رفع حاجات، اجتناب از رذایل اخلاقی و رشد دادن فضایل اخلاقی و حرکت در مسیر کمالات و ملکوت الهی.

گرچه همه این غایات از اهمیت وافری برخوردارند، اما از نگاه آموزه‌های نهج‌البلاغه، مهم‌ترین نتیجه و غایت انسان‌شناسی، خداشناسی است؛ زیرا انسان با شناخت خود، به هدفمندی و معناداری خلقت پی می‌برد و آنگاه، به عظمت مبدء و معرفت خالق سوق پیدا می‌کند و وقتی این مسئله برای انسان تبدیل به ملکه شد، سایر معارف و شاخ و برگهای عقیدتی، صبغه توحیدی و عبادی به خود گرفته، انسان را در مسیر کمالات رهنمون می‌سازند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۲). قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۹ ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: محدث.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (بی تا). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). علل الشرائع. قم: داروی.
- افلاطون (۱۳۶۳). مجموعه آثار. ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی. تهران: خوارزمی.
- بحرانی، ابن میثم (بی تا). الشرح لنهج البلاغه. قم: مکتبه الفقاهه الالکترونی.
- بهروز، صمد و عبدالله نصیری (۱۳۹۴). «آسیب شناسی کرامت انسان از منظر نهج البلاغه؛ عوامل و زمینه سازهای معرفتی». انسان پژوهی دینی، سال دوازدهم، ش ۳۳.
- جعفری، محمدتقی (بی تا). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی، حسین (۱۳۹۷). «خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه». مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن، ش ۱.
- رضایی هفتادر، حسن؛ صفر نصیریان و باقر ریاحی مهر (۱۳۹۷). «بررسی تحول روانی انسان از منظر معارف اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ششم، ش ۲۲.
- سید بن طاووس، رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی (۱۴۱۱ ق). مهج الدعوات و منهج العبادات. قم: دار الذخائر.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۸). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. قم: مکتبه المصطفوی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: المکتب الاسلامی.
- عباسیان چالشری، محمدعلی (۱۳۹۸). «ساحت های نفس و ارتباط انفسی میان خدا و انسان در نهج البلاغه». پژوهشنامه علوی، سال دهم، ش ۲.
- علائی رحمانی، فاطمه و زینب سالاری (۱۳۹۳). «تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل گیری شخصیت انسان از منظر امام علی». پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، ش ۵.

- غیاثی، علی (۱۳۹۷). «بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ششم، ش ۲۲.
- قنبرپور، زهرا (۱۳۹۴). «معنا و مفهوم خودشناسی و خودسازی در انسان از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه و روان‌شناسان دیگر». اولین کنگره بین‌المللی حکمت ناب.
- کاشانی، فیض (بی تا). الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام. قم: مکتبه الفقاهه الالکترونی.
- مشایخی‌پور، محمدعلی؛ احد فرامرز قراملکی و هادی صادقی (۱۳۹۷). «بررسی مفهوم خودشناسی در دیدگاه امام علی». انسان پژوهی دینی، سال چهاردهم، ش ۲۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام امام علی (شرح نهج البلاغه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مبدی، حسین بن معین الدین (۱۴۱۱ ق). دیوان امیرالمؤمنین. محقق: مصطفی زمانی. قم: دار نداء الاسلام للنشر.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. تهران: مکتبه الإسلامیه.

- Holy Quran.
- Nahj al-Balagheh. Translated by Mohammad Dashti (2003). Qom: Research Institute of Amir al-Mominin, peace be upon him
- Abbasian Chaleshtri, Mohammad Ali (2019). "The realms of the soul and the soul connection between God and man in Nahj al-Balagheh". *Alawi Research Journal*, 10th year, 2nd issue.
- Alaei Rahmani, Fatemeh & Zeinab Salari (2014). "The effects of family and environment and will on the formation of human personality from the perspective of Imam Ali". *Nahj al-Balagheh Research Journal*, second year, No. 5.
- Amedi, Abd al-Wahed (1959). *Ghorar al-Hakam wa Dorar al-Kalam*. Qom: Muhaddith Publishing House.
- Bahrani, Ibn Maitham (No Date). *Al-Sharh for Nahj al-Balaghah*. Qom: Al-Faqahah Al-Elektori Library.

- Behrouz, Samad & Abdullah Nasiri (2015). **“Pathology of human dignity from the perspective of Nahj al-Balagheh, epistemic factors and foundations”**. *Journal of Religious Anthropology*, Year 12, No. 33.
- Ghiyashi, Ali (2018). **“Re-searching human existence fields from the perspective of Nahj al-Balagheh”**. *Nahj al-Balagheh research journal*, year 6, No 22.
- Hasani, Hossein (2018). **“self-knowledge and self-improvement from the perspective of Imam Ali (peace be upon him) in Nahj al-Balagheh”**. *Qur'an Educational and Social Studies*, series 1.
- Hashemi Khoi, Mirza Habibullah (1979). **Minhaj al-Baraa' in the commentary of Nahj al-Balaghah**. Tehran: Islamic Library.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibatullah (No Date). **Commentary on Nahj al-Balaghah**. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library Publishing.
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali (No Date). **The Causes of the Laws**. Qom: Daravi Publishing House.
- Jafari, Mohammad Taqi (No Date). **Translation and interpretation of Nahj al-Balaghe**. Tehran: Islamic Culture Publishing House.
- Kashani, Faiz (No Date). **Al-Shafi'i fi al-Aqeed and al-Akhlaq and al-Akham**. Qom: Al-Fiqah Al-Elektroni School.
- Makarem Shirazi, Nasser (2007). **Imam Ali's moral messages (Sharh Nahj al-Balagheh)**. Tehran: Al-Kutub al-Islamiya Publishing House.
- Mashayikhi Pour, Mohammad Ali; Ahad Farmarez Qaramelki & Hadi Sadeghi (2018). **“examining the concept of self-knowledge in the view of Imam Ali”**. *Journal of Religious Anthropology*, 14th year, 20th issue.
- Plato (1984). **The collection of Plato's works**. Translated by Mohammad Hassan Lotfi & Reza Kaviani. Tehran: Kharazmi Publications.
- Qanbarpour, Zahra (2015). **“The meaning and concept of self-knowledge and self-improvement in humans from the perspective of Amir al-Mu'minin, peace be upon him, in Nahj al-Balagheh and other psychologists”**. *The first international congress of pure wisdom*.
- Rezaei Haftader, Hassan; Safar Nasirian, & Baqer Riyahi Mehr (2018). **“Studying the psychological evolution of man from the perspective**

of Islamic teachings with an emphasis on Nahj al-Balagheh”. *Nahj al-Balagheh research journal*, year 6, No 22.

- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad (1989). **Al-Hikama al-Mutaaliyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Araba**. Qom: Al-Mustafawi School.
- Seyyed Ibn Tavis, Razi al-Din Abi al-Qasim Ali ibn Musa (1990). **Mahj al-Dawawat and Manhaj al-Ibadat**. Qom: Dar al-Zhaer Publications.
- Tabatabaei, Muhammad Hossein (1996). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Qom: Al-Maktab al-Islami Publishing House.

